

# تأثیر خصوصی سازی بر عملکرد شرکتهای واگذار شده

سکینه شبیه

دانشجوی دکترای حسابداری  
دانشگاه شهید چمران اهواز



## تأثیر خصوصی سازی بر عملکرد شرکت‌های واگذار شده

### چکیده

هدف از این تحقیق بررسی خصوصی سازی و ارزیابی اثربخشی آن بر عملکرد شرکت‌های واگذار شده می‌باشد. در این مقاله که بر اساس مطالعات و تجربیات محققین دیگر انجام شده، خصوصی سازی به عنوان عاملی مهم در جهت رشد اقتصادی معرفی شده است. مروری بر مطالعات تجربی سایر کشورها، تأثیر مثبت خصوصی سازی را بر عملکرد و کارایی عملیاتی شرکت‌ها نشان می‌دهد. اما نتایج به دست آمده از تحقیقات داخل کشور گویای این حقیقت است که، فرآیند خصوصی سازی در ایران نه تنها تأثیری بر عملکرد شرکت‌های واگذار شده نداشته بلکه در برخی مواقع باعث کاهش کارایی عملیاتی شرکت‌ها نیز شده است که از عمده دلایل این امر می‌توان به عدم انتقال مدیریت همراه با مالکیت و فقدان کارایی مدیریتی، نگاه درآمدی به واگذاری‌ها، ناکارایی بازار سرمایه و عدم بکارگیری روش صحیح جهت پیاده سازی خصوصی سازی در کشور اشاره کرد.

واژه‌های کلیدی: خصوصی سازی، عملکرد، کارایی، اصل 44

## 1) مقدمه

امروز اغلب اقتصاددانان به یک توافق نسبی در این موضوع رسیده‌اند که کامیابی اقتصادی یک کشور منوط به محدود کردن دخالت دولت در اقتصاد، دسترسی به بازار سرمایه قدرتمند و حمایت از حقوق صاحبان سهام است که می‌توان آن را تحت عنوان خصوصی‌سازی<sup>1</sup> در نظر گرفت [5].

خصوصی‌سازی وسیله‌ای برای بهبود عملکرد فعالیت‌های اقتصادی از طریق افزایش نقش نیروهای بازار است در صورتی که حداقل 50% سهام دولتی به بخش خصوصی واگذار شود [11].

خصوصی‌سازی بخشی از سیاست اقتصادی جامع‌تری است که امروزه تحت عناوینی چون آزاد سازی اقتصادی و یا پیوستن به اقتصاد جهانی از سوی برخی از دولت‌ها به شدت دنبال می‌شود. نهادهای بین‌المللی هم چون صندوق بین‌المللی پول و بانک جهانی نیز از مدافعان سرسخت این سیاست محسوب می‌گردند. در واقع خصوصی‌سازی یعنی تغییر فضای حاکم بر فعالیتهای بخش دولتی به نحوی که در عین حفظ بافت اصلی فعالیتها صرفاً فضای بخش مذکور تغییر یافته و شرایط و جو بازار بر نحوه عملکرد شرکت به صورتی تأثیر گذارد تا انگیزه‌ها و مکانیزم‌های بخش خصوصی ملاک عمل قرار گیرد [8].

پیشینه‌ی فرآیند خصوصی‌سازی به سال 1970 در کشور انگلستان و در دولت مارگارت تاچر برمی‌گردد [19]. این جنبش بزرگ اقتصادی در جهت انتقال و کنترل عملیاتی شرکتهای دولتی به بخش خصوصی در حجم وسیع و گسترده‌تری در اواخر دهه‌ی 1980 رخ داد. این جنبش و دستاوردهای آن باعث ایجاد نیروی محرکه و انگیزه برای انجام برنامه‌های خصوصی‌سازی در اروپای غربی و سایر کشورها گردید.

خصوصی‌سازی یکی از مهم‌ترین مولفه‌های اقتصادی قرن 21 است. در حقیقت، خصوصی‌سازی عنصر کلیدی برنامه‌های اصلاح ساختار (هم در کشورهای توسعه یافته و هم در کشورهای در حال توسعه) است و هدف از این برنامه‌ها رسیدن به اثربخشی اقتصادی بیشتر و تسریع رشد اقتصادی می‌باشد [23].

---

<sup>1</sup>. Privatization

هم زمان با دیگر کشورها در ایران نیز با ابلاغ سیاست‌های کلی اصل 44 قانون اساسی و تأکید بر استفاده از بورس اوراق بهادار در واگذاری سهام شرکت‌های دولتی، زمینه بسیار مناسبی برای تحدید فعالیتهای تصدیگری دولت و واگذاری آن به بخش غیردولتی و همچنین توسعه و گسترش فرهنگ سهامداری در کشور فراهم گردید.

در این مقاله سعی شده که به خصوصی سازی و تأثیر آن بر کارایی عملکرد شرکت‌ها توجه شود. از این رو در ادامه به بیان مبانی نظری و پیشینه تحقیقات انجام شده در رابطه با خصوصی سازی و اثرگذاری آن و در انتها به بررسی این فرآیند در ایران و موانع و مشکلات اجرایی آن پرداخته می‌شود.

## 2) مبانی نظری

دهه‌ی پس از جنگ جهانی دوم شاهد تولید بخش عظیمی از محصولات و خدمات توسط بخش دولتی بود. در این دوران به دلیل زیانهای جدی ناشی از جنگ و فقدان امکانات حیاتی، اقتصاد ریسکی به شدت حاکم بود و همین امر منجر به غیرفعال شدن بخش خصوصی شد به طوری که دولت مسئول ساخت کشورها و ارائه خدمات و کالاها بود. این وابستگی شدید به بخش دولتی منجر به ایجاد عدم تعادل ساختاری و ناکارایی اقتصاد شد. این شرایط پس از اواسط دهه‌ی 70 تغییر کرد و دولت‌ها شروع به خصوصی کردن بسیاری از شرکتهای دولتی کردند تا آنجا که بخش خصوصی به یک قطب غالب در اقتصاد تبدیل شد [17].

خصوصی سازی در یک گستره و چشم انداز وسیع با مولفه‌هایی چون حذف انحصار، گسترش بازار سرمایه، مقررات زدایی و واگذاری سهام و دارایی‌های دولت یک اقتصاد رقابتی را شکل می‌دهد و اقتصاد رقابتی به تغییر نقش دولت، استفاده بهینه از منابع، افزایش کارایی و بهره‌وری، بهبود وضعیت عمومی، ایجاد امکانات مالی جدید برای مصارف اجتماعی و گسترش رفاه عمومی منجر می‌شود و افق دستیابی به توسعه اقتصادی پدیدار می‌شود [3].

به طور کلی اهداف خصوصی سازی را می‌توان در دو سطح خرد و کلان مطرح کرد. اهداف سطح کلان شامل کاهش کسری بودجه دولت، کاهش بدهی مالی عمومی خارجی

و داخلی، کاهش مداخلات سیاسی، تقویت و توسعه بازار سرمایه، افزایش درآمدهای ارزی، ایجاد تعادل اقتصادی و افزایش رشد اقتصادی است. از اهداف خصوصی سازی در سطح خرد می توان به افزایش کارایی مدیریت، افزایش بهره وری، افزایش ثروت سهامداران و بهبود کارایی عملکرد شرکتها اشاره کرد [17].

در این میان بهبود کارایی عملیاتی شرکتهای خصوصی شده بیشتر مورد تأکید قرار گرفته است به این دلیل که منشأ بسیاری از اهداف ذکر شده است. تئوری هائی وجود دارند که برتری مالکیت خصوصی را بر دولتی در دستیابی به عملکرد کارآمدتر توضیح می دهند که در ادامه شرح داده می شوند.

### 1-2) تئوری اقتصادی نئوکلاسیک<sup>1</sup>

این تئوری بیان می کند که ارتباط بین مالکیت و عملکرد ضعیف است و کارایی با استفاده از ساختار بازار و درجه رقابت تعیین می شود [20].

این تئوری مدعی است که خصوصی سازی درهای رقابت را از طریق کاهش و یا حذف موانع ورود و خروج از بازار باز می کند. بنابراین، خصوصی سازی همراه با رقابت کارایی اقتصادی را به همراه خواهد داشت که در شرکتهایی با مالکیت دولتی<sup>2</sup> وجود ندارد. در واقع این تئوری چالش های اصلی مدیران را تعامل با نشانه های بازار، تأکید بر اهداف سهامداران، کاهش هزینه ها، ساختار بازار و درجه رقابت در نظر می گیرد [10].

### 2-2) تئوری نمایندگی<sup>3</sup>

در شرکتهای دولتی وظیفه نظارت بر عملکرد مدیریت بر عهده دولت است. مدیران شرکتهای دولتی اصولاً به دنبال حداکثر کردن سود نیستند. همچنین، دارای سهام قابل عرضه در بازار نبوده و با خطر ورشکستگی و کنترل بازار مواجه نمی شوند. اما در شرکتهای خصوصی هدف اصلی حداکثر کردن سود است و وظیفه کنترل عملکرد

---

<sup>1</sup>. Neo Classical Theory

<sup>2</sup>. State owned enterprises

<sup>3</sup>. Agency Theory

مدیریت بر عهده‌ی گروه‌های مختلفی در بازار سرمایه شامل سهامداران شرکت، سرمایه‌گذاران و بستانکاران شرکت است [24].

این واقعیت که بنگاه‌های دولتی به دلیل عملکرد ضعیف مدیر هیچ‌گاه با خطر تصاحب توسط دیگر بنگاه‌ها مواجه نمی‌شوند و سرمایه‌گذاران و دیگر تأمین‌کنندگان مالی هم نمی‌توانند اثری بر عملکرد این بنگاه‌ها داشته باشند، نظارت بر مدیران را در این بنگاه‌ها تضعیف می‌کند [23].

با کاهش نظارت بر مدیر و با توجه به انگیزه‌های منفعت طلبانه او، شکاف اطلاعاتی بین مدیر و تأمین‌کنندگان مالی بنگاه افزایش می‌یابد و زمینه برای کسب رانت اقتصادی توسط مدیران فراهم می‌شود.

گرچه این شکاف اطلاعاتی که از آن به عنوان هزینه‌های نمایندگی یاد می‌شود در بنگاه‌های خصوصی نیز وجود دارد اما می‌توان گفت که توزیع بهینه ریسک بین مدیران و مالکان، ایجاد انگیزه برای مدیران به منظور همگرایی علایق آن‌ها با مالکان و نظارت موثر مالکان بر مدیران، تضاد منافع را در بنگاه‌های خصوصی کاهش و کارگزار را وامی‌دارد که در راستای حداکثر سازی منافع کارفرما عمل کند.

### 3-2) تئوری حقوق مالکانه<sup>1</sup>

این تئوری نشان می‌دهد که مالکیت دولتی کارایی کمتری نسبت به مالکیت خصوصی دارد. بحث اصلی این تئوری مبتنی بر این حقیقت است که مالکیت دولتی میان تمام اعضای جامعه تقسیم می‌شود و هیچ شخصی حق فروش سهام خود را ندارد. با توجه به این خصوصیت مالکیت دولتی، انگیزه اندکی برای هر یک از مالکان جهت کنترل مدیریت شرکت باقی می‌ماند. در مقابل، مالکیت شرکت‌های خصوصی محدود به گروهی از سهامداران می‌شود که هر یک حق فروش سهام خود را دارند بنابراین، این انگیزه برای آنان بوجود می‌آید که فعالیت مدیر را کارآمدتر و سود خود را حداکثر کنند [14].

---

<sup>1</sup>. Property Right Theory

#### 4-2) تئوری رقابت<sup>1</sup>

طبق این تئوری یکی از عوامل مهم برای موفقیت خصوصی سازی، رقابت است. در شرایط بازار رقابتی اهداف اجتماعی و خصوصی بیشتر به هم وابسته هستند. در حقیقت کاهش مالکیت دولتی تنها عاملی نیست که عملکرد شرکت‌های خصوصی شده را بهبود می‌بخشد بلکه محیط رقابتی و نظم و انسجام بازار سرمایه نیز کارایی این شرکت‌ها را افزایش می‌دهد [12].

تجربیات کشورهای صنعتی و توسعه یافته ثابت می‌کند که رقابت راه اصلی برای افزایش بهره‌وری، بهبود کیفیت، کاهش قیمت و توزیع اثربخش تولیدات است (کمیت‌ه اجرایی خصوصی سازی<sup>2</sup>، 2002).

رقابت موجود در بازار، رفتار بنگاه‌های خصوصی را تحت تأثیر قرار داده و با ایجاد انگیزه و اعمال نظارت آنها را به سمت تولید کارآمد سوق می‌دهد و از طریق افزایش بازده تولید و تخصیص کارآمد، بهبود عملکرد شرکت را به همراه خواهد داشت. اما، مدیران بنگاه‌های دولتی نگرانی چندانی نسبت به کنترل هزینه‌های خود و تولید کارآمد ندارد زیرا می‌دانند هزینه‌های اضافی بنگاه در نهایت از طریق کمک‌ها و حمایت‌های دولتی پوشش داده می‌شود.

بر اساس مطالب ذکر شده تئوری‌های مختلف همگی تأکید بر این موضوع داشتند که عملکرد شرکت‌های دولتی نسبت به شرکت‌های خصوصی، پایین تر است که از مهمترین دلایل آن می‌توان به ساختار بازار، اهداف شرکت، ایجاد رقابت، نظارت و انگیزه اشاره کرد.

در شرکت‌های دولتی مدیریت نامناسب دارایی‌ها، نیروی کارمازاد، ارجحیت اهداف سیاسی بر حداکثر کردن ثروت سهامداران و توجه اندک به توانایی‌های افراد برای انتخاب مدیران و کارکنان منجر به کاهش سودآوری می‌شود در حالیکه موافقین خصوصی سازی عقیده دارند که با خصوصی سازی مداخلات سیاسی و کنترل‌های بورکراتیک دولتی به حداقل خود می‌رسد در نتیجه، اهداف ساده‌تر می‌شوند. همچنین، با انتقال جریان‌های نقدی و حقوق کنترلی از بخش دولتی به بخش خصوصی و کم شدن حجم فعالیت‌ها و نقش

<sup>1</sup>. Competition Theory

<sup>2</sup>. Executive Privatization Commission



دولت در امور مختلف، دولت صرفاً نقش نظارتی پیدا می‌کند که این شرایط به توقف تولید در سطح ناکارآمد و بهبود کارایی منتهی شده و زمینه برای تخصیص کارای منابع و رشد و شکوفایی اقتصادی فراهم می‌شود.

### 3) پیشنهاد تحقیق

از اواسط دهه‌ی 1970 به تدریج کارایی فعالیتهای بخش دولتی مورد سوال قرار گرفت. پس از طرح موضوع عدم کارایی فعالیت شرکتها و واحدهای دولتی و تحت پوشش دولت، سیاست خصوصی سازی به عنوان یکی از راه‌حلهای بهبود عملکرد شرکتهای مزبور و کاهش تصدی دولت مورد توجه قرار گرفت.

فرایند انتقال مالکیت شرکتهای دولتی به بخش خصوصی در ابتدا به آرامی آغاز شد اما در طی دهه‌های 1980 و 1990 با گسترش این دیدگاه که شرکتهای بخش خصوصی فارغ از مداخلات سیاسی بوده و کارایی عملیاتی و مدیریتی بهتری دارند، شتاب بیشتری گرفت. به همین دلیل پیشنهادی تحقیقات تجربی در ارتباط با خصوصی سازی و تأثیر آن بر روی کارایی در طی 20 سال گذشته به سرعت رشد داشته است.

در این میان می‌توان به تحقیق انجام شده توسط مگینسون و همکاران (2001) اشاره کرد. آنان دریافتند که عملکرد مالی و عملیاتی شرکتهای دولتی به طور متوسط پس از خصوصی سازی به تدریج افزایش می‌یابد. البته لازم به ذکر است که بازسازی مالی مستلزم یک خط مشی مالی سفت و سخت است. این خط مشی باعث ورشکستگی بنگاه‌های ناکارا و اجبار سایر بنگاه‌ها به بهبود عملکرد می‌شود [19].

برنارد و همکاران (2000) عملکرد مالی و عملیاتی 31 شرکت صنعت مخابرات و ارتباطات را در 25 کشور توسعه یافته و در حال توسعه طی سالهای 1991-1998 و در دوره‌های 7 ساله بررسی کردند. آنان در تحقیق خود از شاخص‌های سودآوری، کارایی عملیاتی و سرمایه گذاری در 3 سال قبل و پس از خصوصی سازی استفاده کردند. یافته‌های آنان حاکی از بهبود این شاخص‌ها در شرکتهای خصوصی شده بود.

در تحقیق تجربی دیگری اکتن و آراین (2006) با استفاده از داده‌های کارخانه‌های سیمان در ترکیه به این نتیجه رسیدند که شرکتهای خصوصی شده با افزایش سرمایه و کاهش نیروی کار، کارایی تولیدی خود را بهبود بخشیده‌اند [21].

عمران محمد (2007) عملکرد مالی و عملیاتی بانک‌های مصری را پس از خصوصی شدن بررسی کرد. او به شواهدی قوی دست یافت که عملکرد بانکهای خصوصی شده بهبود یافته و سطح توسعه متناسب با درصد مالکیت خصوصی تغییر می‌کند. هرچه مالکیت خصوصی گسترش یابد پیشرفت نیز بیشتر خواهد شد [22].

لین (2009) ارتباط بین مالکیت دولتی را با سودآوری شرکتهای چینی در دوره‌ی زمانی 1999-2002 بررسی کرد. او نشان داد که ارتباط منفی قابل ملاحظه‌ای بین مالکیت دولتی و سودآوری شرکتهای وجود دارد و خصوصی سازی شرکتهای دولتی به منظور بهبود عملکرد آنها باید ادامه پیدا کند.

ال قوداه (2011) تأثیر خصوصی سازی را روی کارایی عملیاتی و عملکرد شرکت با استفاده از 23 شرکت خصوصی شده اردنی در طول سالهای 1992-2005 بررسی کرد. وی برای ارزیابی کارایی عملیاتی از نسبت گردش دارایی‌های ثابت و برای عملکرد از نسبت قیمت بازار سهم بر ارزش دفتری استفاده کرد. نتایج تحقیقات نشان داد که خصوصی سازی تأثیر مثبت و معنی‌داری بر کارایی عملیاتی شرکتهای خصوصی شده و عملکرد آنها دارد [10].

هوانگ و وانگ (2011) در تحقیقی نشان دادند که کارایی عملیاتی و سودآوری شرکتهای خصوصی شده به صورت قابل ملاحظه‌ای رشد یافته است [16].

کریسات و همکاران (2012) نیز تأثیر خصوصی سازی را روی کارایی عملیاتی و مدیریتی در 3 شرکت اردنی در طی سالهای 1992-2010 مطالعه کردند. نتایج بیانگر تأثیر مثبت خصوصی سازی بر هر دو مقیاس بود. هم چنین نشان داده شد که خصوصی سازی تأثیر منفی روی تعداد کارکنان و سطح اهرم شرکت دارد [17].

براساس آنچه که گفته شد می‌توان استنباط کرد که در اغلب تحقیقات تجربی که در کشورهای مختلف انجام شده است عملکرد و کارایی عملیاتی شرکتهای خصوصی شدن بهبود یافته و خصوصی سازی تأثیر مثبت بر این شاخص‌ها داشته است. در ایران نیز به

دنبال مطرح شدن بحث خصوصی سازی تحقیقات مختلفی انجام شد که در ادامه به ذکر برخی از آنها پرداخته می شود.

آقاجانی (1380) عملکرد شرکتها را در سه سال قبل و شش سال پس از خصوصی سازی ارزیابی کرد. دوره تحقیق وی حد فاصل بین سالهای 78-1370 بوده است. نتایج حاصل از این تحقیق نشان داد که متوسط نسبتهای بررسی شده پس از خصوصی سازی نسبت به دوره قبل از خصوصی سازی تفاوت زیادی نداشته اند. یعنی خصوصی سازی باعث بهبود ابعاد مالی شرکتها خصوصی شده در بورس اوراق بهادار تهران نشده است.

در پژوهش دیگری طالب نیا و محمدزاده (1386) با بررسی تأثیر خصوصی سازی بر بازده سهام به این نتیجه رسیدند که خصوصی سازی تأثیر مطلوبی بر بازده سهام ندارد [4].

نجات و همکاران (1389) در تحقیق خود اثر خصوصی سازی بر عملکرد شرکتها و گذار شده به بخش خصوصی را ارزیابی کردند. در این تحقیق 46 شرکت خصوصی شده از طریق بورس اوراق بهادار تهران طی سالهای 1383-1375 به عنوان نمونه آماری انتخاب شدند. نتایج حاصل از آزمون فرضیات آنها نشان می دهد که میان عملکرد شرکتها قبل و پس از خصوصی سازی تفاوت معناداری وجود ندارد و در واقع خصوصی سازی باعث بهبود عملکرد شرکتها نشده و حتی در بعضی از مواقع باعث کاهش سودآوری آنها شده است. آنها بیان کردند که دلیل این امر را می توان در سیاستهای اشتباه اتخاذ شده در برنامه های خصوصی سازی جستجو کرد [7].

رضایی دولت آبادی و همکاران (1390) نیز به بررسی و ارزیابی اثر خصوصی سازی بر توسعه بازار سهام، در بورس اوراق بهادار تهران پرداختند. آنان با استفاده از آزمون پرون به بررسی نقاط شکست ساختاری احتمالی در نه مقطع زمانی با توجه به روند خصوصی سازی پرداختند. نتایج حاصل از تحقیق نشان داد که خصوصی سازی تأثیری بر توسعه بازار سهام ندارد [1].

بر اساس پژوهش های ذکر شده در این مقاله و دیگر تحقیقات مشابه انجام شده در ایران مشاهده می شود که خصوصی سازی در کشور ما برخلاف دیگر کشورها با موفقیت همراه نبوده و تأثیر مثبتی بر عملکرد شرکتها نداشته است. در ادامه به فرآیند خصوصی سازی در ایران و موانع و مشکلات اجرای آن پرداخته می شود.

#### 4) خصوصی سازی در ایران و بررسی موانع آن

پیامدهای ناشی از وقوع انقلاب اسلامی، جنگ تحمیلی و تحریم‌های مالی و تجاری بین‌المللی علیه ایران، موجب دخالت بیش از حد متعارف دولت در اقتصاد کشور گردید. این امر موجب تخصیص نامعقول منابع و پایین آمدن کارایی فعالیت‌ها شد [6].

به دنبال ایجاد چنین مشکلاتی و با توجه به این که دولتی بودن اقتصاد ایران زمینه‌هایی را برای بروز مفساد اقتصادی مهیا کرده بود، خصوصی سازی به عنوان راه حل ممکن هم‌زمان با دیگر کشورهای در حال توسعه در ایران نیز مطرح گردید.

خصوصی سازی و واگذاری شرکتهای دولتی و تحت پوشش دولت در ایران هم‌زمان با آغاز برنامه اول توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی کشور در سال 1368 مطرح گردید و زمینه اجرایی آن با تصویب هیئت وزیران در سال 1370 و اعلام فهرست حدود 400 شرکت دولتی به منظور دستیابی به ارتقای کارایی و کاهش حجم تصدی دولت، ایجاد تعادل اقتصادی و استفاده بهینه از امکانات و منابع کشور فراهم آمد. از سال 1379 تا سال 1383 دور جدید برنامه خصوصی سازی در ایران به صورت سازماندهی شده با محوریت متمرکز سازمان خصوصی سازی به عنوان نهاد اجرایی بر مبنای ساز و کار قانونی مشخص و شفاف شد.

در تاریخ 1384/3/1 با ابلاغ اصل 44 قانون اساسی تحول مهمی در فرایند خصوصی سازی در کشور ایجاد شد. این اصل با هدف واگذاری بخشهای دولتی به بخش خصوصی و کاهش تصدی‌گری دولت از سوی رهبر انقلاب مطرح گردید. هدف از تدوین سیاست‌های کلی اصل 44، شتاب بخشیدن به رشد اقتصادی ملی، تغییر نقش دولت از مالکیت و مدیریت مستقیم بنگاه به سیاست‌گذاری و هدایت و نظارت، گسترش مالکیت در سطح عموم مردم به منظور تأمین عدالت اجتماعی، ارتقای و کارایی بنگاه‌های اقتصادی و بهره‌وری منابع مادی و انسانی و فناوری، افزایش رقابت‌پذیری در سطح اقتصاد ملی، افزایش سهم بخشهای خصوصی و تعاونی در اقتصاد ملی و افزایش سطح عمومی اشتغال می‌باشد.

این که طی فرآیند خصوصی سازی در کشور که تحت عنوان انقلاب اقتصادی مطرح شد، چه میزان از این اهداف محقق شده است جای کمی بحث و تأمل وجود دارد.

باگذشت بیش از 11 سال از اجرای خصوصی سازی در کشور گرچه برخی از مالکیت‌ها جابه‌جا شده است و ظاهر قانونی آنها بیش از 50 درصد، از مالکیت دولت خارج شده اما مدیریت‌ها همچنان به صورت مستقیم و یا غیرمستقیم در دست دولت و یا شرکت‌های وابسته به دولت است. به همین دلیل آن ویژگی اصلی که در مدیریت بخش خصوصی مشاهده می‌شود که همان قدرت واکنش سریع و برخورداری از انعطاف پذیری زیاد است، هنوز در اکثر واحدهای اقتصادی واگذار شده تحقق پیدا نکرده است. در حقیقت اگرچه میلیاردها تومان از دارایی‌های دولت طی چند سال اخیر واگذار شده اما تأکید قانون بر انتقال مالکیت‌ها همراه با مدیریت آنها بوده و هست در صورتی که در عمل مشاهده می‌شود که دولت تنها با داشتن 20 درصد مالکیت شرکتها دست به تعیین مدیران آنها می‌زند. این رویه موجب می‌شود که مدیران شرکت‌های واگذار شده یا همان مدیران قبلی دولتی یا مدیران جدید منتخب دولت باشند.

از جمله دیگر دلایل ثمربخش نبودن خصوصی سازی در کشور می‌توان به این موضوع اشاره کرد که در واگذاری بنگاه‌های دولتی تنها رد دیون مدنظر دولت بوده و هدف اصلی جبران کسری بودجه دولت می‌باشد. در اولویت قرار گرفتن این هدف و جایگزینی نگاه درآمدی به واگذاری‌ها به جای افزایش کارایی، گاهی منجر به این می‌شود که واگذاری به سازمان و ارگانی انجام شود که با آن آشنایی نداشته و از تخصص کافی برخوردار نباشد که این امر موجب از هم پاشیدگی و از بین رفتن واحدهای واگذار شده در سالهای آتی می‌شود. یعنی این واقعیت وجود دارد که در واگذاری واحدهای دولتی توانایی مدیریتی خریداران نقش عمده‌ای نداشته است.

این شرایط سبب شده که سیاست‌های اصل 44 قانون اساسی تغییر رویه دهد و شیوه‌ی تصدی‌گری به جای خصوصی شدن به شبه دولتی بدل شود. دولت با این قبیل واگذاری‌ها نشان داد که خواهان ارتقای سطح بخش خصوصی در کشور نیست و واگذاری خود که با هدف تسویه دیون انجام می‌شود را با نام اجرای اصل 44 لحاظ می‌کند.

افزون بر موارد پیش گفته، مطابق با قوانین اصل 44 بخش دولتی حق خریداری بنگاهی در واگذاری‌ها را ندارد اما دیده شد که متقاضیان اصلی خرید واحدهای قابل واگذاری، موسسه‌ها و نهادهای وابسته به دولت نظیر بانک‌ها، سازمان تأمین اجتماعی، صندوق

بازنشستگی و شرکتهای سرمایه گذاری وابسته به آنان بوده‌اند. بنابراین روند خصوصی سازی به انتقال مالکیت از یک بخش دولتی به بخش دیگر دولت مبدل شده است. از دیگر مشکلات خصوصی سازی در ایران عدم تمایل خرید سهام شرکتهای توسط افراد به دلیل پیامدهای غیرقابل پیش‌بینی سیاسی و اجتماعی و دخالت نهادها و تشکلهای مختلف در مسئله مدیریت اقتصادی شرکتهای واگذار شده می‌باشد [3]. همچنین وجود انحصار و رقابتی نبودن بازار، محدودیت و توسعه نیافتگی بازارهای مالی ایران و بخصوص ناکارآمد بودن بورس از دیگر عوامل مهم اثرگذار بر خصوصی سازی محسوب می‌شود. بطور کلی در ایران به علت عدم ثبات سیاسی - اقتصادی، رقابت دولت با بخش خصوصی و سازوکارهای سیاسی گروه‌های موثر بر اقتصاد کشور، مالکیت خصوصی همه جانبه آن هم از نوع امن و پایدار به ندرت به وجود آمده است. زیرا دولت علیرغم واگذاری بخش عظیمی از دارایی‌ها نه تنها به بخش خصوصی و تعاونی اجازه ظهور نداده بلکه همچنان بنگاه داری کرده و تمایلی به کوچک شدن و افزایش سهم مردم و بخش خصوصی از اقتصاد ندارد. تا زمانی که چنین تفکری وجود داشته باشد نمی‌توان شاهد افزایش کارایی، رشد اقتصادی و افزایش سطح اشتغال شرکتهای واگذار شده بود و اهداف خصوصی سازی هم چنان دست نیافتنی باقی خواهند ماند.

## 5) نتیجه گیری

خصوصی سازی توسط دولت مارگارت تاچر در بریتانیا در دهه‌ی 1970 به افکار عمومی معرفی شد. پس از چندی این فرآیند در بسیاری از کشورهای دیگر نیز با هدف تحریک و توسعه بخش خصوصی، گسترش رقابت، آزادسازی تجاری، توسعه بازار سرمایه، ارتقای سیستم حاکمیت شرکتی و بهبود عملکرد مالی و عملیاتی به اجرا درآمد. در این تحقیق به بررسی خصوصی سازی و بیان اهداف آن پرداخته شد و تأثیر این فرآیند اقتصادی بر کارایی عملکرد شرکت‌ها ارزیابی گردید. بر اساس مبانی نظری و تحقیقات تجربی انجام شده در اکثر کشورها مشخص شد که روند خصوصی سازی غالباً با موفقیت همراه بوده و تأثیر مثبتی روی عملکرد و بهره‌وری شرکتهای خصوصی شده داشته است. اما با توجه به آنچه که از تحقیقات و مطالعات داخلی انجام شده در این زمینه دریافت شده می‌توان این

نتیجه‌گیری را کرد که تجربه خصوصی سازی در کشور ایران چندان فرصت شکوفایی و ثمربخشی را پیدا نکرده است. در حقیقت تا زمانی که اصول حاکمیت، مالکیت، مدیریت و نظارت به نهادهای مستقل و حرفه‌ای منتقل نشود، بخش وسیعی از اهداف تعیین و تعریف شده خصوصی سازی محقق نخواهد شد. اما همچنان می‌توان امیدوار بود که اجرای صحیح و اثربخش سیاست‌های کلی اصل 44 به عنوان یکی از سیاست‌های تأثیرگذار، منجر به تحولات آتی و پیشرفت اقتصادی کشور گردد.

## 6 منابع

- 1) رضایی دولت آبادی، حسین. صمدی، سعید. ناجی زواره، حسام. (1390). "تعیین تأثیر خصوصی سازی بر توسعه بازار سهام در ایران". مجله پژوهش‌های حسابداری مالی، سال سوم، شماره اول، شماره پیاپی (7)، ص ص. 97-112.
- 2) شمس، عبدالمحمد. (1372). "خصوصی سازی کردن مؤسسات یک ضرورت است یا اجبار". فصلنامه علمی-پژوهشی دانش مدیریت، شماره 22، ص ص. 42-49.
- 3) صفارزاده، غلامرضا. (1381). "موانع خصوصی سازی در ایران". تدبیر، شماره 129، ص ص. 47-53.
- 4) طالب نیا، قدرت الله. محمد زاده سالطه، حیدر. (1384). "تأثیر خصوصی سازی شرکت های دولتی پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران بر بازده سهام آنها". مجله تحقیقات مالی، شماره 19.
- 5) فلیحی، نعمت. مروت، شمسی. (1391). "بررسی اثرات خصوصی سازی از طریق بازار بورس اوراق بهادار بر روی رشد اقتصادی در ایران با رویکرد سیستم دینامیکی". فصلنامه پژوهش‌های اقتصادی، سال دوازدهم، شماره سوم، ص ص. 165-190.
- 6) گودرزوند چگینی، مهرداد. میرزاد زارع، مهدی. (1398). "اثرات واگذاری (خصوصی سازی) بر کارایی (شرکت سهامی مخابرات استان گیلان)". بررسی‌های بازرگانی، شماره 40، ص ص. 86-98.

7) نجات، سید امیررضا. میرزاده، اکبر. شهبازی، محمد. جواهری کامل، مهدی. (1389). " بررسی تأثیر خصوصی سازی بر عملکرد شرکت های دولتی پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران". فصلنامه پژوهش های بازرگانی، شماره 55، صص 75-108.

8) نصیرزاده، غلامرضا. (1369). "پیرامون خصوصی کردن شرکت های دولتی". انتشارات کمال علم.

- 9) Alipour, M. (2013). "An Investigation of the Association Between Ownership Structure and Corporate Performance". *Managerial research Review*, Vol.36, No.11, pp.1137-1166.
- 10) Al Qudah, Ali. Mustafa. Abdullah. (2011). "The operating Efficiency and Market Value of Jordanian Privatization Firms: Fixed and Random Effects Analysis". *Interdisciplinary Journal of Research in Business*, Vol.1, Issue.7, pp.99-116.
- 11) Beesly, Michael. Littlechild, Stephen. (1983). "Privatization: Principles, Problems and Priorities". *Leoyds Bank Review*, vol.149, pp.1-21.
- 12) Castro, J. Uhlenbruck, K. (1997). "Characteristics of Privatization: Evidence from Developed, Less Developed and from Communist Countries". *Journal of International Business Studies*, Vol.28, pp.123-143
- 13) Cavaliere, A. Scabrosetti, S. (2008). "Privatization and Efficiency: From Principals and Agents to Political Economy". *Journal of Economic Surveys*.
- 14) Friensner, D. Rosenman, R. Stevens, C. (2005). "A Property Theory of the Firm and Mixed Competition: A Counter Example Revisited". [http://business.us.edu/mbea/folks/online\(12](http://business.us.edu/mbea/folks/online(12) may 2005)
- 15) Gong, Stephen. X. H. Cullinane, Kevin. Firth, Michael. (2012). "The Impact of Airport and Seaport Privatization on Efficiency and Performance: A Review of the International Evidence and Implications for Developing Countries". *Transport Policy*, Vol.24, pp.37-47.
- 16) Huang, Z. Wang, k. (2011). "Ultimate Privatization and change in Firm Performance: Evidence from China". *China Economic Review*, Vol.22, pp.121-132.
- 17) Khrisat, Fedaa. A. Khasawneh, Ahmad. Y. A. Al-Waked, Ahmad. A. (2012). "Managerial and Operational Efficiency Valuation of Privatization Firms: Case of Jordan Mining Sector". *European*



- Journal of Economics, Finance and Administrative Sciences*, Issue.49,  
pp.56-70.
- 18) Mathur, Ike. Banchuenvijit, Wanrapee. (2007) .“The Effects of Privatization on the Performance of Newly Privatized Firms in Emerging Markets”.*Journal of Emerging Markets Review*, Vol.8,  
pp.134-146.
- 19) Megginson, W.L. Netter, J. M. (2001) .“ From State to Market: A survey of Empirical Studies of Privatization”. *Journal of Economic literature*, Vol.39.No.2.
- 20) Nellis, J. (1994) .“ Is Privatization Necessary?”.World Bank  
Viewpoint. 7.
- 21) Okten, C. Arin, P. (2006) .“ The Effect of Privatization on Efficiency: How Does Privatization Work?”.*World Development*,  
Vol.3, No.9, pp. 1537-1556.
- 22) Omran, M. (2007) .“Privatization, State Ownership and Bank Performance in Egypt”.*World Development*, Vol.35, No.4, pp.714-  
733.
- 23) Sheshinski, E. Calva, L. F. (2002) .“ Privatization and Its Benefits: Theory, Evidence and Challenges”. *Journal of Energy Policy*, Vol.33,  
pp.713-725.
- 24) Vickers, J. Yarrow, G. (1988) .“Privatization on Economic Analysis”.The mitpress.Cambridg. Massachusetts. London. England.

# **The Effect of Privatization on the Privatized Firms Performance**

Sakineh sheibeh

Ph.D. Student of Accounting

Shahid Chamran University of Ahwaz, Iran

## **Abstract**

The purpose of this article is to assessing the privatization and evaluating its effect on privatized firms performance. In this article that based on the other researcher works, privatization was introduced as a important factor for economic growth. A review of empirical studies in other countries represent the positive impact of privatization on the firms performance and operational efficiency. But the results of the internal researches reflects the fact that privatization process in Iran not only haven't a positive impact on performance of privatized firms but also sometimes is reduced operating efficiency of companies. From the main reasons for this event can be cited to, no transfer of ownership with management and lack of managerial efficiency, income approach to submissions, capital market inefficiency and failure to use the correct method for implementation of privatization in the country.

**Key words:** Privatization, Performance, Efficiency, 44 Principal